info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۱۱
چهارشنبه ۱۳ / آذر / ۱۳۹۸
۷ / ربیع الثانی / ۱۴۴۱
04 / Dec/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳ ۰۲۶- فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

۴۰۷۸۵

امروز با حافظ

گوشوار زر و لعل ار چه گران دارد گوش
دور خوبی گذران است نصیحت بشنو
چشم بد دور ز خال تو که در عرصه حسن
بیدقی راند که برد از مه و خورشید گرو

خوانش

ای زلف یار این همه گردن کشی چرا؟
آخر تو هم فتاده و ما هم فتاده‌ایم

صائب تبریزی

اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب
۰۵:۲۳ | ۰۶:۵۲ | ۱۱:۵۵ | ۱۶:۵۶ | ۱۷:۱۵

اوقات شرعی فردا

برگه

زندگی سریع دویدن، بالا و بالاتر رفتن نیست؛ زندگی توانایی کنار آمدن و جستن است.

ویوین کوموری

معرفی کتاب

رمان "زنی در فصل پنجم" منتشر شد

رامین جهان پور

این رمان روایت زندگی پرفراز و نشیب دختری نوجوان از اهالی شهر "سر پل ذهاب" استان کرمانشاه است که با آوارگی و ویرانی های جنگ عراق و ایران همراه شده و در واقع نویسنده برشی بلند از زندگی او و خانواده اش را در زمان جنگ و بعد از جنگ نشان می‌دهد.

در این کتاب که به سبک یومی نگاشته شده دیالوگ ها واصطلاحات به زبان کردی کرمانشاهی نگاشته شده است و در واقع ساختار داستان برگی از زندگی مردمان سختکوش غرب کشور را نمایان می سازد.

"زنی در فصل پنجم" در طبقه بندی ادبی جزء ادبیات اقلیمی کشور محسوب می شود و کوشش نویسنده در بازسازی حوادث و ارتباط مخاطب با وقایع داستان باور پذیر قابل لمس وحتی قابل تقدیر است.این کتاب به قلم خانم مینو دخت دبیری با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۷۹ هزار تومان توسط انتشارات روزگار در پاییز ۹۸ راهی بازار کتاب شده است.

نکات مدیریتی

تبلیغ نکردن؛ راه متفاوت برخی برندها برای جلب توجه

از زمان ظهور دنیای آنلاین، موقع تشکیل شرکت‌های جدید نسبت به دهه‌های قبل، به میزان قابل توجهی کمتر شده است و این موضوع به تشدید رقابت منجر می‌شود. همزمان با این اتفاق، شاهد افزایش گسترده گزینه‌های تبلیغات برای برندها هستیم. با نفوذ جوامع آنلاین، کانال‌های رسانه‌های اجتماعی و مرور گرهای مختلف، روش‌های بی‌پایانی برای جلب توجه مخاطبان به وجود آمده است. برندها به وضوح از این موضوع بهره بردهاند و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۱۹ هزینه تبلیغات دیجیتال تا افراط بتواند inbox خود را صفر کنند یکی از جالب‌ترین کارهای سوپرهیومن، عدم انجام هیچ گونه تبلیغات و بازاریابی، بود. در واقع، به نظر می‌رسد، کمتر مورد توجه بودن آنها، جذابیت برند را برای مشتریان بالقوه بالا برده است. بخش عمده تبلیغات آنها به تبلیغات دهان به دهان و گفته‌های بنگاه‌ها، کارآفرینان و دیگر افراد برجسته در توییتر وابسته است. سر و صدا ایجاد کردن به این شیوه، نتیجه‌بخش بود.

تبلیغ دهان به دهان

تحقیقات نشان می‌دهد حدود ۶۲ درصد مصرف‌کنندگان قبل از خرید یک محصول، نظرات و اطلاعات در مورد آن را، به صورت آنلاین جستجو و دریافت‌اند و حمایت از تولیدات داخلی در موضوع جامعه نظامیان و مهمات‌سازی و ... صورت دهد.

در شماره نخست نشریه، تصویر شیر و خورشید با عبارت «یا اسدا... الغالب» به گونه‌ای طراحی شده بود که واژه «ا...» بالای شیر قرار گیرد. «یا اسدا... الغالب» و «روزنامه اخبار دارالخلافه طهران» در فضای گرافیکی‌ای متفاوت از خوش‌نویسی معمول چاپ شده بود.

روزنامه وقایع اتفاقیه نشریه‌ای سیاسی- علمی-اجتماعی و محتوای آن عبارت بود از اخبار داخلی (خبرهای مربوط به دربار، عزل و نصب‌ها، اعطای مقام‌ها و نشان‌ها و امتیازات، رویدادهای گهگاهی شهرهای ایران و حوادث) و اخبار خارجی (رویدادهای کشورهای اروپایی)

از نکات جالب آن درج بهای نیازنامه‌های مردم، آگهی‌های دولتی یا عنوان اشتهارنامه، پاسخ به اعلامیه‌ها و مقالات منتشرشده در جراید خارجی درباره ایران و ... بود. همچنین زبان مطالب ساده بود و از این نظر وقایع اتفاقیه آغازی بر تحول نثر فارسی است.

با این همه، خودکامگی و شرایط حاکم بر کلی بول صرف می‌شود، اعتماد دارند. این موضوع اهمیت تبلیغات دهان به دهان را به‌عنوان یک استراتژی بازاریابی مورد تاکید قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که نمی‌توان اهمیت نظرات، اعتیادهی‌ها و توصیه‌های دیگران را نادیده گرفت.

وقتی سارا بلیگلی شرکت پوشاک زنانه سپنکس (Spanx) را تاسیس کرد، از سر اجبار به بازاریابی و تبلیغات روی نیاورد. در شروع کار، شرکت بودجه کافی برای رفلنداری کمپین‌های تبلیغاتی گران نداشت و از بازگشت سرمایه خود مطمئن نبود. این استارت‌آپ در عوض، به اینکه زنان محصولات خوب شرکت را به هم معرفی می‌کردند تکیه کرد؛ منبعی که بسیار قابل اعتماد است. از تبلیغات قیس‌بوک در مورد شرکتی بود که هیچ‌کس قبلا نام آن را نمی‌شنید بود. خانم بلیگلی می‌گوید: «از روز اول، بر سرمایه خودمان متکی بودیم. مجبور بودیم فقط برای چیزهایی هزینه کنیم که درآمدزا هستند و تبلیغ کردن، نتیجه‌ای مبهم برای ما داشت. سنجیدن بازگشت سرمایه از تبلیغات هم کار غیر ممکنی بود. بنابراین اصلا تبلیغ نکردیم. قدرت زنانی که نام یک برند را از زبان زنان دیگر می‌شنوند، واقعا استراتژی بهتری بود.» تقاضا در طول زمان بالا رفت. امروز، اسپنکس بیش از یک میلیارد دلار ارزش پیدا کرده و سرمایه‌گذار خارجی هم جذب کرده است.

چرا تبلیغ نکردن موفق شد؟

در پاسخ به اینکه چرا این برندها توانستند موفق شوند، فاکتورهای زیادی را می‌توان عنوان کرد. یکی از دلایل اصلی این است که تبلیغ نکردن، اگر با سیاست درستی اجرا شود، می‌تواند به مشتریان بالقوه اطمینان دهد. اگر شرکتی بتواند بدون نیاز به تبلیغات سرپا بماند، به کارمندانش پاداش دهد و رشد سالانه داشته باشد، طبیعی است که مردم به محصولات آن ایمان بیاورند. یک فاکتور موثر دیگر را می‌توان در اصل معروف «متقاعدسازی» رابرت چالدینی روانشناس یافت. اینکه هر چیزی کمیاب شود، مشتری بیشتر برای آن سر و دست می‌شکند. از نظر مصرف‌کنندهٔ وجود تعداد محدود از هر محصولی، آن را محبوب‌تر به نظر می‌رساند. به‌علاوه، این شرکت‌ها معنگس کننده این واقعیت هستند که اغلب موقع، کار تازه کردن نتیجه می‌دهد. در دنیایی که همه برندها در دهها پلتفرم دیجیتال در حال تبلیغ کردن هستند، تصمیم به تبلیغ نکردن می‌تواند کاری متحصربه‌فرد باشد. در نهایت، این مثال‌ها یک اصل پایدار را واضح و روشن می‌کنند: مردم، رد احل‌ها را می‌خرند. لوگوهای بر رزق و برق، آگهی‌های تجاری بامزه و تبلیغاتی که به پا می‌ماندند، همه زیبا و جالب هستند. اما تا وقتی که محصول یا خدمتی که تبلیغ می‌شود نتواند مشکل یک مشتری را حل کند، فایده‌ای ندارد.

مترجم: مریم رضایی

گزارش

واقعیت وقایع اتفاقیه

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهرآرا، «عوام نمی‌دانند که مصرف و حسن این وقایع اتفاقیه در چیست؛ یا خیال می‌کنند که دیوانیان عظام شروع به این کرده‌اند به جهت منافع و مداخل لکن این‌طور نیست و نباید باشد. این اخبار چیزی است. اینها به جهت تربیت خلق است و اینکه این‌ها از امور دیوانی و اخبار و مناسبات دول و منافع خاص و عام و مقتضیات عصر عالم باشند و اینکه تا روزی که من هستم نمی‌شود که این اطلاع به عامه نرسد. این روزنامه منصبی نیست که به کسانی که از دیوان اعلی اسامی ایشان تعیین شده به این‌ها برسد و به دیگران نرسد.» این سخنانی است که میرزا تقی‌خان امیرکبیر درباره سومین نشریه تاریخ ایران، یعنی «روزنامه وقایع اتفاقیه»، گفته است. وزیر بزرگ میهن‌دوست و ترقی‌خواه ایرانی و بنیادگذار این نشریه در شرایطی که استبداد و ستم و جهل و فقر ناشی از سلطنت قاجاریه بر زندگی ایرانیان تأثیرات سوئی گذاشته بود، هدف نشریه یادشده را «تربیت خلق» و «عالم» شدن مردم از اخبار و مسائل زمانه می‌دانست. او که دل در گرو پیشرفت ایران و مردمانش داشت، به‌خوبی دریافته بود آنچه در این مسیر بازدارنده بوده است و هست نادانی است و اقدماتی، چون راه‌اندازی مدرسه و انتشار مطبوعات می‌تواند در زدودن این نادانی مؤثر باشد.

نخستین شماره روزنامه (که در واقع هفت‌نامه بود) در ۵ ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۷ ه.ق. (۱۸ بهمن ۱۲۲۹ خورشیدی) چاپ شد. این رویداد هم‌زمان با سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بود و پیش از آن، امیر موفق شده بود آتش فتنه‌های باب و سالار را فرونشاند و اقدامات اصلاحی گوناگونی از قبیل کاستن از حقوق شاه و شاهزادگان و دربارایان و حمایت از تولیدات داخلی در موضوع جامه نظامیان و مهمات‌سازی و ... صورت دهد.

زمانه سبب شده بود یک صفحه و نیم از ۶ صفحه نشریه به اخبار و جزئیات کارهای ناصرالدین‌شاه اختصاص پیدا کند. این بخش از مطالب چنان چاپلوسانه بود که آب شدن برف را همراه نداشی از وجود مبارک قبله عالم بیان می‌کرد. خواننده در شماره سوم می‌خواند: «از یمن طالع فیروزی مطالع و اقبال بی‌همال سرکار اعلیحضرت پادشاهی هوای دارالخلافه طهران در این اوقات به طوری خوب و خوش هوا رو به کلی از اطراف و حول و حوش رفت.» حتی در شماره هفتم سال نخست، فکر راه‌اندازی و برپایی روزنامه به شاه جوان نسبت داده شده: «از آنجا که همت خسروانی اعلیحضرت پادشاهی مصروف به تربیت اهالی و اعیان و رعایا و تجار و کسبه دولت خود است که بر دانش و بینش آن‌ها بیفزاید از [گزارش] داخله و خارجه خبردار باشند. لهذا به انتشار آن [روزنامه] به ممالک محروسه فرمایش فرمودند تا اطلاع آگاهی و دانایی و بینایی اهالی این دولت علیه بیشتر شود.»

بهای هر نسخه از نشریه ۱۰ شاهی بود که برابر بود با بهای نیم من گوشت و برای عموم مردم قیمت گرانی شمرده می‌شد. پخش‌کنندگان هم چیزی بر این قیمت می‌افزودند تا در عمل، نشریه از دسترس عوام دورتر شود. امیرکبیر اشتراک آن را برای کسانی که از دولت حقوقی بیش از ۲۰۰ تومان می‌گرفتند اجباری کرده بود. در صفحه یک شماره نخست آمده است: «دولت علیه اعضای دولت، صاحب‌منصبان و رعایای صادق را موظف کرده بود این روزنامه را بخرند.»

این مطبوعه طی انتشار چندصد شماره خود با نام‌های متفاوتی عرضه شد. شماره یک با نام «روزنامه اخبار دارالخلافه تهران»، شماره ۲ تا ۴۷۰ با نام «روزنامه وقایع اتفاقیه» و شماره ۴۷۱ با نام «روزنامه وقایع».

باقی درهمند و آگاه آن که فرجام تلخش از نقاط تاریک تاریخ ایران است. چندان نماند که تداوم کار آن را ببینند کمتر از یک سال بعد از انتشار نخستین شماره، در شماره ۴۹ روزنامه، خبری دروغین منتشر شد درحالی که میرزا تقی خان امیرکبیر ۳ روز پیش از آن، ناجوانمردانه به فرمان شاه به قتل رسیده بود، وقایع اتفاقیه نوشت: «میرزا تقی‌خان احوال خوشی ندارد و صورت و باهایش ورم کرده است.» ۲ روز بعد هم این خبر را چاپ کرد: «میرزا تقی خان که سابقا امیرنظام و شخص اول این دولت بود شب سه‌شنبه در کاشان وفات یافت.»

قربونِ دَسِت، اون شیر آب ببند.

تلنگر

فقدان یک طنزپرداز نابغه

یک سال قبل، در چنین روزی «ملانصرالدین» مجله گل آقا که یزگان طنزنویسی کشور همچون کیومرث صابری فومنی از او به‌عنوان استعدادی درخشان یاد می‌کردند برای همیشه با زندگی وداع گفت.

این که بزرگانی همچون بهاءالدین خرمشاهی، علی موسوی گرمارودی و کیومرث صابری فومنی از زنده یاد ابوالفضل زرویی نصرآباد به‌عنوان یکی از نوابغ عرصه طنزنویسی کشورمان یاد می‌کردند اتفاق کمی نیست. او نه تنها شاعر و هنرمندی شاخص بود بلکه در طنزنویسی معاصر، چه در عرصه‌های نظم و نثر و چه در طنز به اصطلاح ژورنالیستی هم تحول بزرگی ایجاد کرد. زرویی در ۴۹ سالگی از دنیا رفت؛ هنوز سن و سال چندانی نداشت با این حال من و بسیاری دیگر از علاقه‌مندان کارهای او را از روزگار جوانی‌اش دنبال می‌کردیم. از همان سال‌های جوانی‌اش هم اغلب برای او جایگاه استادی قائل بودیم، قبول دارم این عنوان چیزی نیست که به هر کسی و در هر جایگاهی بتوان اطلاق کرد، بویژه در سن کم! اما زرویی از چنان جایگاه ادبی و فضلی برخوردار بود که به حق لایق استادی بود. اما شهرت زرویی در روزگار جوانی‌اش از دو دلیل نشأت می‌گرفت.

یکی ستون تذکره الاولیا در مجله گل آقا بود. همه می‌دانیم که این مجله از چه اهمیتی برخوردار بود. این ستون شامل نقیضه گویی‌هایی به سبک تذکره الاولیا عطار بود که زرویی در این ستون به سراغ شخصیت‌های مشهور سیاسی، ورزشی، مدیران دولتی و... می‌رفت و به بیانی طنزگونه و شیرین از آنها می‌نوشت. تأثیر این ستون در مخاطبان و حتی در میان مسئولان به حدی بود که اغلب شخصیت‌ها روزهای می‌کردند تا زرویی به سراغ آنان هم برود. دومین مسأله‌ای که منجر به شهرت این شاعر و نویسنده شده بود، نقیضه‌هایی بود که بر شعرهای نیمایی و سپید می‌گفت و این در حالی ست که تا پیش از آن نقیضه گویی تنها بر شعر شاعران کلاسیک انجام می‌شد. درهمین رابطه هم به سراغ اشعار شاعران بسیاری همچون فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، احمد شاملو و... رفته بود. همه آنهایی که با شعر و نثر زرویی آشنا هستند می‌دانند که او در کسوت یک شاعر با استعداد، تلفیق عجیبی از ذوق، نبوغ و قلمی توانا بود به کمالم و رندی را از حافظ، روانی را از سعدی و طنز را از عبید زاکانی آموخته بود، نکته دیگری که درباره زرویی نباید از آن غافل شد برخورداری‌اش از فضل و دانشی مثال زدنی بود.

کافی است به مطالعه آثار او بپردازید تا ببینید که چطور همه آثار طنزی که همزمان با او و قبل از خودش نوشته شده‌اند را خوانده بوده از همین رو هم اغراق نیست اگر زرویی را در حوزه طنز یک مرجع تمام قد بدانیم، همچون بهرام بیضایی در تئاتر یا محمدرضا شجریان در موسیقی ردیفی آوازی، بهرمیرداری او از زبان محاوره در شعر طنز از دیگر ویژگی‌های کارهای او بود. آنچنان که تأثیر کارهایش حتی در عرصه شعر و ترانه هم دیده می‌شود. ای کاش تا زنده بود قدرش را می‌دانستند تا آن طور در تنهایی و فراموشی دیده بر زندگی نبندد، هر چند که خودش هم اهل خلوت بود و از جنجال و هیاهو دوری می‌کرد.

سعید بیابانکی

خبرچه

مدیر توئیتر برای حفظ حریم شخصی از گوگل استفاده نمی کند

چک دورسی، مدیرعامل توییتر تصریح کرده که برای حفظ حریم شخصی خود از گوگل استفاده نمی‌کند و برای جستوجو در وب از موتور جستوجوی داک‌داک‌گو استفاده می‌کند

به گزارش پیام آشنا به نقل از یاهونیوز، همزمان با افزایش انتقادها از گوگل به علت بی‌توجهی به حریم شخصی کاربران و جمع‌آوری بی‌اجازه داده‌های خصوصی آنها، چک دورسی مدیرعامل توییتر با ارسال پیامی در حساب کاربری شخصی خود تصریح کرد: «من داک‌داک‌گو را دوست دارم. موتور جستوجوی پیش‌فرض من در حال حاضر داک‌داک‌گو است که اپلیکیشن آن حتی بهتر است.»

داک‌داک‌گو هم از طریق حساب کاربری خود در توییتر به این پیام دورسی واکنش نشان داده و نوشته است: «این خیلی خوب است که ما چنین چیزی را می‌شنویم جکـ! خوشحالیم که تو در کنار مایی»

داک‌داک‌گو، موتور جستوجوی نوپایی است که بارها تصریح کرده از جمع‌آوری اطلاعات شخصی کاربران و ایجاد نمایه‌ای در مورد هر کاربر از این طریق خودداری می‌کند. همین مسأله موجب می‌شود داک‌داک‌گو از نمایش آگهی‌های تبلیغاتی هدفمند بر مبنای نتایج جستوجوی شخصی‌سازی شده هم خودداری کند.

داک‌داک‌گو در دو سال اخیر پیشرفت مناسبی داشته، اما هنوز جایگاه خاصی در دنیای موتورهای جستوجو ندارد. این موتور جستوجو هر ماه ۱/۵ میلیارد جستوجو را پردازش می‌کند که در برابر پردازش ۳/۵ میلیارد جستوجو توسط گوگل در روز رقم قابل توجهی محسوب نمی‌شود. البته گوگل بیش از صدهزار کارمند و داک‌داک‌گو کمتر از ۱۰۰ کارمند دارد.

بریده جراید

هفت گوهر شب‌چراغ

ایران- اردشیر صالح‌پور: کارگردان و مدرس تئاتر- دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی به منشور و گوهری می‌ماند که انوار گوناگونی از آن ساطع می‌شود و هر آنکه محضرش را دریابد، درّ یابد. او آموزگاری است که به‌اکسیر دانش و خصلت‌دانایی و توانایی عملی «مهارت» را به دانش و دانش را به حکمت تبدیل می‌کند تا از آن فضیلتی حاصل آید چرا که غایت علم فضیلت است و فضیلت راه رستگاری و سعادت.. از آن سبب ارسطو در بیوطیقای خود در فن شعر، فضیلت را گوهر ویژه و مایه تراژدی می‌داند اما آموزگاری هم در ذات و منش خود اوست و هم در نسب‌دودمانی‌اش.

پدرش آموزگار بود و مادرش نیز. «بیلموختندش هنر هرچه بود / هنر نیز بر گوهرش برفزود» و این خصلت و فضیلت و تعهد و رسالت آموزگاری را بخوبی پاس داشت از عهده برآمد و آن را به دیگر هنرهای خود افزود. به عبارتی او هم خود فاضل است و هم از فضل پدر او را بسیار حامل.

افزون بر شأن و جایگاه رفیع و منزلت علمی او به حسن خلق نیز دلبری می‌کند. «به حسن خلق توان کرد صید اهل نظر/ به دام و دانه نگیرند مرغ دانا را» گوهر انسان در گرو تلاش و تشبه به نیکی است و بر پایه حقیقت خرد و زیبایی بنا می‌شود و به نهبه خود از عقل و اراده و ذوق دل حاصل می‌آید و «فرهنگ» چنانکه در معنی آن رایج است تربیت همراه با حکمت و اخلاق را گفته‌اند، دایره‌ای به وسعت ارزش‌های انسانی.

او نه افراط‌گر است و نه تفریط‌کار، همواره به سیر اعتدال گام می‌گذارد. چنان که فضیلت در اعتدال است و تراژدی از پی نظمی، «هرج و مرج» و «کاتوس» پر می‌خیزد.

دکتر ناظرزاده بلندنطبع و آزاده، چو سرو منیع و فروتن: چهارفصل سرو همیشه سبز است. نشئه آزادگی‌اش خمار ندارد (بیدل و دهلوی) و به قول فردوسی طوسی: «هنرها ز دیدار او بگذرد/ همان شرم و آزادگی و خرد/ هرآن کس که او این هنرها بجست/ خرد باید و شرم و رأی درست.

او نجیب است و پاک گوهر. پدرش دکتر احمد ناظرزاده کرمانی ادیب، شاعر، سخنور و ایران‌خواه و انسان‌دوست که بارها به‌خاطر آزادگی به زندان رفت و مادرش بانویی فرهیخته و فرزانه مدیر و دبیر دبستان از تباری اهل فضل و فضیلت. این بانوی گرامی از نخستین مترجمان زن زبان فارسی در تهران بود. «به مردی هنر در هنر ساخته/ خرد از هنرها بر افراخته» در تدوین و نوشتار و شیوه آموزگاری؛ سهل می‌گوید و مرسل، بلیغ و رسا پیچیده‌ترین مسائل را به ساده‌ترین زبان ابلاغ می‌کند.

آموزگاری در منظر او نه یک شغل که یک رسالت است و همواره بر این توصیه اخلاقی تأکید دارد که معلم حق رنجیدن و رنجیده شدن ندارد. سرشار از مهر و صبوری و روشنی است چراغی تابان، چراغ را که چراغ از آن فرا گیرند.

همچنان که خود به تمثیل، هنر متأثر «تماشاگران» را به نهاد و تمثیل «چراغ و آینه» تشبیه می‌کند. چراغ که روشنی می‌بخشد و آینه‌ای که حقیقت نماست. آینه‌ای در برابر آینه‌ای تا از آن ادیبتی حاصل آید.

خلق نکو/ او را حکمتی نکوست. نمی‌توان بدون حکمت؛ هنر داشت و بدون اخلاق هنر. تخلق و تقرب او همواره به نیکی است و همواره در نسبت با نیکویی و خوبی رخ می‌دهد. روان و جان او از نیکویی و زیبایی و خیر وخوبی بهره‌مند است و این تقرب به حسن و نیکی بنا به اصولی در حکمت ایران با آگاهی صورت می‌پذیرد.

او یک فرهنگستان زنده است. دانش بسیار دارد، علمی و هنرمحیط است و محاط و بهره‌مند و برخوردار از علم و ادب و ذوق و قریحه سرشار.. هنر از واژه «هو نره» می‌آید که به معنی خوبی و نیکمردی است. و هنرمند کسی است که واجد صفات عالیه و فضایل اخلاقی نیکو باشد. «که فرهنگ آرایش جان بُوَد/ز گوهر سخن گفتن آسان بُوَد/ گُهر بی‌هنر زار و خوار است و مست/ به فرهنگ باشد روان تندرست»

نقش و کنش او چنان است که از او رنجش و گزندی به کس نرسد و آشنایش همواره ملجا و اطمینان بخش است و محضرش فیاض. سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که او خلاق و مبتکر است به مدد ذوق و هنر و آمیزه و ایجاز و اعجاز سخن و به تأسی از فرهنگ‌سازی واژگان برابر نهادهای بسیار برای اصطلاحات هنرهای نمایش ساخته و پرداخته که جالب توجه است. مردمی و به قول انوری «آئین مردم هنری» دانذ و به تعبیر افصح‌المتکلمین سعدی شیراز: خردمند مردم هنر پرورند.

او معتقد است: برای پیشرفت هر امری می‌بایست به سه اصل متکی بود: پژوهش، آموزش و آفرینش. از آموزگاری‌اش سخن به اشارت رانْدیم. اما پژوهش‌های گرانسنگ او دانش‌بنیاد و سترگ و مفصل است و مبسوط. از ادبیات نمایشی در مصر و ایرلند و هنر و روم باستان تا تأثر پیشتاز و تجربه‌گرا و مناپاخته. از نماد گرایی تا گزاره‌گرایی و ایمان‌گرایی که تاکنون به چهار جلد رسیده است و نیز کتاب ارزشمند «پیش‌درآمدی بر ادبیات نمایشی» که از سوی انتشارات سمت سالیان اخیر به چاپ رسیده و همچنان از منابع درسی دانشجویان است و درج و نشر مقالات بسیار که به نقد و نظر به قلم و طبع مشکاف و ظرایف به طرح مضامینی نو و تازه می‌پردازد اما نمایشنامه‌نی‌ایک و بهمن، پنجره‌ای به یادها، خواجگان شیراز، هدا، خندستان مانمی‌هاو..

او شاگردان زیادی تربیت کرده که هم‌اکنون سرآمد هنر نمایش و از چهره‌های ممتاز تئاتر ایران هستند و دانشکده‌های بسیاری را بنا و برپا کرده است. تأسیس و راه‌اندازی مراکز آکادمیک هنرهای نمایشی مدیون تلاش‌های بی‌وقفه او در این عرصه است. دانشجویان ناظرزاده امروزه خودشان استادان و مدرسان تئاترند. او در هر گوشه و مکانی چراغ علمی و دانش را بر افروخته و به قول شورزشت بهترین پادشاه و یادافره از آن کسی است که خواستار روشنایی است و به دیگران روشنایی می‌بخشد. چرا که دانش همان اندیشه نیک است. «هنر باز دانست و با گوهر است / سه چیز است و هر سه به‌بند اندر است/ چو هر سه بیابی خرد باید / شناسنده نیک و بد باید»

طنز عالی‌ترین وجه کمدی و مطایبه و شوخی است و براساس نظریه «هنری برگسون» «خنده پدیده‌ای عقلانی است.» طنز وجه فرازین و هزل وجه فرودین کمدی است.

طنز و طنازی یکی از ویژگی‌های ناظرزاده کرمانی است. در ارائه مطالب و آموزه‌های علمی و آموزشی هم از طنز پرهیز نمی‌کند، اطیفه و ظریفه و بذله و شوخی و تعریض و تجاهل‌العارف و رندی و نکته سنجی را می‌داند و به‌موقع و بجا به کار می‌بندد. کلام و سخن و درسش آمیخته با خرمی و بهجت‌افزایی است و رفع ملال می‌کند.

چنان که گفته‌اند: «بزرگی و رفعت در بلندطبعی و مناعت است و بشاشت از افعال خرد.» «از قیاس خرمی با جان ما / می‌فزاید خوبی و احسان ما» منزلت و مقاماش والاست. والاتر باد.